



اعتراضات دانشجویی در دانشگاه‌های آمریکا و اروپا از نگاه «فلسفه فرهنگ»

انتفاضه غرب

جنبشی دانشجویی اخیر در آمریکا زمینه ساز تغییرات عمیق سیاسی خواهد شد



بر این باورم

که این

اعتراض‌هایی

که در

دانشگاه‌های

آمریکا در

حال وقوع

است،

زمینه‌ساز

تغییرات

سیاسی

بسیار

قدرتمندی

خواهند

شد. این

اعتراضات

نقطه

پایانی برای

امپراطوری

فرهنگی

آمریکایی

بر جهان

خواهد بود

فلسفه فرهنگ

پروفیسور جمیل ابراهیم اسکندر

استاد فلسفه اسلامی دانشگاه فدرال ساوتپاتولو در کشور برزیل

این روزها وضعیت بی‌سابقه‌ای را در دانشگاه‌های آمریکا و بسیاری از دانشگاه‌های جهان شاهد هستیم؛ بیش از ۱۰ دانشگاه معروف جهان در حال اعتراض هستند و تاکنون صدها نفر از اساتید و دانشجویان در این رابطه دستگیر شده‌اند. ما امروز شاهد سرکوب «آزادی بیان» در کشورهای هستیم که ادعای «مردور آزادی و دموکراسی» را به جهان دارد؛ در این گفتار، از دیدگاه «فلسفه فرهنگ» اعتراضات دانشجویی در بسیاری از کشورهای جهان را تحلیل خواهیم کرد. بر این باورم که این اعتراض‌هایی که در دانشگاه‌های آمریکایی در حال وقوع است، زمینه‌ساز تغییرات سیاسی بسیار قدرتمندی خواهند شد.

آزادی، ستون فرهنگ است

فرهنگ استوار بر پذیرش «استقلال فرهنگی» و «تعامل فرهنگی» است. است که رشد توانایی انسان را مد نظر دارد. در چهارچوب فلسفه فرهنگ، انسان باید به سمت «فرهنگی شدن» پیش برود که سیر این حرکت باید با محیطی که در آن زندگی می‌کند و ارزش‌هایی که به آن باور دارد، همخوانی داشته باشد و با حد فطری انسان مطابقت کند.

این حد را «آزادی بیان» می‌نامیم که امروز آمریکا این حد را زیر پا گذاشته است.

فرهنگ به انسان اختیار می‌بخشد و از نگاه فلسفه فرهنگ، «آزادی» ستون فرهنگ است و حق هجوم و اعتراض به دیگران را به دلیل نوع فرهنگ‌شان نداریم. فلسفه

کشورهای عربی نیست بلکه این سکوت ملت‌های عربی است که قابل تأمل است.

فاش شدن ادعاهای دروغین آمریکا توسط دانشگاه‌هایش

دموکراسی ادعایی آمریکا در دفاع از رژیم اشغالگر صهیونیسم، به یک دیکتاتوری بسیار خشن بدل شده است و سلطه اخلاقی آمریکا را، شکست داده است. بعد از این رخدادها، دانشگاه‌ها در آمریکا دیگر تنها مرکز فرهنگی و کانون علمی نیستند بلکه به پایگاهی برای به لرزه درآوردن ستون‌های آمریکا بدل شده‌اند؛ آمریکایی‌ها که خود را مهد آزادی و دموکراسی می‌خوانند، اکنون شاهد است که دانشگاه‌هایش این ادعای دروغین را به جهان نشان داده است. خشم آمریکا هم از همین است که تصویر بدون روتوش او، به جهان نشان داده شده است.

این خشم آمریکا، دامنگیر دانشجویان و اساتیدی شده که تلاطم‌داران فکر و فناوری در جهان هستند. آمریکا این دانشجویان و اساتید را با اتهام ابراز عقیده و آزادی بیان، دستگیر و روانه زندان می‌کند و این نشان می‌دهد که در آمریکا تا جایی آزادی و دموکراسی می‌تواند وجود داشته باشد که با بنیادها و

نمادهای آمریکا در تضاد نباشد و هرچا این تضاد اتفاق بیفتد، آمریکا نه آزادی می‌شناسد و نه دموکراسی!

تخریب طلایه‌داران فکر و فناوری جهان در پایگاه‌های فرهنگی آمریکا!

فرهنگ «ساخت انسان» را در دستور کار دارد. به این اعتبار، فعالیت‌ها و کنش‌هایی را شامل می‌شود که «رخداد سازنده» را موجب شود. حال که این اتفاق برای دانشجویان و دانشگاه‌های آمریکا افتاد ظهور بعد از این، دانشگاه‌های آمریکا می‌توانند مدعی باشند که یک «مرکز فرهنگی» هستند در حالی که به جای ساختن انسان، به تخریب طلایه‌داران فکر و اندیشه خود اقدام کرده است.

این مسأله تنها شامل حال آمریکا نمی‌شود حتی در دانشگاه‌های اروپا هم این اتفاق افتاده است و جامعه اروپا هم بعد از این منظور باید از عنوان «فرهنگی» دانشگاه‌هایش دفاع کند.

حال اگر بخواهیم نسبت این وقایع را با «فلسفه اجتماعی» بسنجیم، این سؤال مطرح می‌شود که بعد از این اعتراضات دانشجویی در دانشگاه‌های جهان در حمایت از فلسطین، چگونه می‌توان حیات طبیعی در فلسطین را استمرار بخشید؟ در مقام پاسخ باید گفت



دموکراسی

ادعایی

آمریکا

در دفاع

از رژیم

اشغالگر

صهیونیسم،

به یک

دیکتاتوری

بسیار

خشن بدل

شده است

و سلطه

اخلاقی

آمریکا را،

کشوری که

مدعی آزادی

و دموکراسی

است، از

او گرفته

است.

بعد از این

رخدادها،

دانشگاه‌ها

در آمریکا

دیگر تنها

مرکز

فرهنگی و

کانون علمی

نیستند

بلکه به

پایگاهی

برای به لرزه

درآوردن

ستون‌های

آمریکا بدل

شده‌اند

به ظلمی که در فلسطین می‌شود، جهان آگاه شود؛ ظلم و زنجی که از سوی نهادهای بین‌المللی نادیده گرفته می‌شود. این اعتراضات دانشجویی به مردم جهان نشان داد که سازمان ملل در دفاع از مردم مظلوم فلسطین ناتوان است و دانشگاه‌های آمریکا ناتوانی نهادهای بین‌المللی را فریاد کشید. این اعتراضات نقطه پایانی برای امپراطوری فرهنگی آمریکایی بر جهان خواهد بود. بر این باورم که این اعتراضات و راهپیمایی‌ها در دفاع از فلسطین، نقطه عطفی در تاریخ جهان خواهد شد چنانکه روابط بین‌الملل، روابط انسانی و روابط فرهنگی و تجاری در جهان را متأثر از خود خواهد کرد. بنابراین ما باید متعاقب این تحولات، به فکر ساخت یک فرهنگ جدید باشیم تا بتوانیم مناسبات جدید را ذیل آن تعریف کنیم.

آمریکا در جهان احترام آکادمیک ندارد

آمریکا، احترام آکادمیک خود را در جهان از دست داده است و این برایش کمران تمام خواهد شد، چرا که اهالی اندیشه به این حقیقت واقف هستند که وقتی یک سیستم «اخلاق» را پشت سر می‌گذارند، تمام وجوه دیگر انسانی خود را هم از دست خواهد داد و خوی دیکتاتوری پیدا خواهد کرد که دیگر با جامعه و فرهنگ نمی‌تواند همسو شود. اعتراض به ظلمی که به مردم فلسطین می‌شود و زنجی که به نایب به آنان تحمیل شده است بسیاری از دانشگاه‌های جهان روند خود همرا کرده است. به طوری که در دانشگاه کوبورگ، یکی از دانشجویان پرچم آمریکا را پایین کشید و پرچم فلسطین را جایگزین آن کرد و این صحنه جهان را تکان داد.

سلطه رسانه‌ای صهیونیسم شکست

همه ما به این نکته واقف هستیم

مناسبات پیچیده آمریکا و صهیونیسم

صهیونیسم در آمریکا یک سیاست نیست؛ بلکه چیزی فراتر از سیاست حاکم بر دولت آمریکاست. به همین دلیل است که هر رئیس‌جمهوری در آمریکا، چه جمهوری خواه و چه دموکرات، باید حتماً مدافع صهیونیسم باشد و با صهیونیست‌ها کنار بیاید. اگر ما رابطه پیچیده آمریکا با صهیونیسم را درک کنیم، اکنون متوجه دیکتاتوری فرهنگی آمریکا در دانشگاه‌هایش می‌شویم. بعد از این رخدادها، دانشگاه‌ها در آمریکا دیگر تنها مرکز فرهنگی و کانون علمی نیستند بلکه به پایگاهی برای به لرزه درآوردن ستون‌های آمریکا بدل شده‌اند؛ آمریکایی‌ها که خود را مهد آزادی و دموکراسی می‌خوانند، اکنون شاهد است که دانشگاه‌هایش این ادعای دروغین را به جهان نشان داده است. خشم آمریکا هم از همین است که تصویر بدون روتوش او، به جهان نشان داده شده است. این نشان می‌دهد که در آمریکا تا جایی آزادی و دموکراسی می‌تواند وجود داشته باشد که با بنیادها و نمادهای آمریکا در تضاد نباشد و هرچا این تضاد اتفاق بیفتد، آمریکا نه آزادی می‌شناسد و نه دموکراسی!

این ساختارهای معیوب وجود داشته باشد جنبش‌های معطوف به عدالت اجتناب‌ناپذیرند. امروز مهم‌ترین مسأله برای ما تداوم روح حاکم بر جنبش‌های جدید اجتماعی ضدساختار است. این جنبش‌ها در واکنش به ساخت اجتماعی-سیاسی خودشان و ساختار نظام بین‌الملل شکل گرفته‌اند.

ما در عصر جنبش‌های اجتماعی جدید هستیم که ماهیت «عدالت‌گرایی» از ویژگی‌های بارز این جنبش‌هاست. این جنبش‌ها با وجود آن فضای معیوب است. این جنبش‌ها در واکنش به ساخت اجتماعی-سیاسی خودشان و ساختار نظام بین‌الملل شکل گرفته‌اند.

ظهور جنبش‌های عدالت‌گرا

اکنون جهانی مبتنی بر بحران ایجاد شده که صرفاً مقاومت در خاورمیانه و مقاومت از سوی ایران را شامل نمی‌شود؛ بلکه این مقاومت، جهانی شده است. جهانی شدن مقاومت به این معناست که ساختار سیاسی اجتماعی و اقتصادی ایالات متحده معیوب است و تا زمانی که این ساختارهای معیوب وجود داشته باشد جنبش‌های معطوف به عدالت، اجتناب‌ناپذیرند

را ایجاد کرد، یک نقطه عطف اجتماعی هم در جهان غرب ایجاد شده است که اگرچه طرفدار جمهوری اسلامی نیستند اما طرفدار اندیشه عدالت‌گرایانه ضد ظلم جمهوری اسلامی هستند. به همین دلیل، معتقدم باید آنها را در بستر ذهنی و گفتگمانی خودشان خوانش کرد. جنبش‌های اجتماعی جدید، جنبش‌های هم‌تکمیل هستند؛ یعنی هم‌راستای یکدیگر در چهارچوب عدالت قرار دارند و این جنبش‌ها با یکدیگر در فضای گرفته به لحاظ انگاره و ذهنیت شباهتی با ما ندارند.

ظهور جنبش‌های عدالت‌گرا

اکنون جهانی مبتنی بر بحران ایجاد شده که صرفاً مقاومت در خاورمیانه و مقاومت از سوی ایران را شامل نمی‌شود؛ بلکه این مقاومت، جهانی شده است. جهانی شدن مقاومت به این معناست که ساختار سیاسی اجتماعی و اقتصادی ایالات متحده معیوب است و تا زمانی که



به جمهوری اسلامی هم ربطی ندارد.

نقطه عطفی در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی

اکنون شاهد نقطه عطف در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی هستیم. همان‌طور که مقاومت فلسطین یک نقطه عطف تاکتیکی

می‌برد که می‌توان آن را بقایای جنبش وال استریت خواند. این همان نسل Z آمریکایی است که نگاه انتقادی به نسل X دارد و با قالب‌های ساختار شکنانه، پدیداری را شکل داده است که مقام معظم رهبری آن را تحت عنوان «بسیج لندن» تفسیر کرده‌اند. این رویش جدیدی است که

جهانی شدن مقاومت



دکتر ابراهیم متقی

رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

اکنون جهانی مبتنی بر بحران ایجاد شده که صرفاً

مقاومت در خاورمیانه و مقاومت از سوی ایران را شامل نمی‌شود؛ بلکه این مقاومت، جهانی شده است. جهانی شدن مقاومت به این معناست که ساختار سیاسی اجتماعی و اقتصادی ایالات متحده معیوب است و تا زمانی که این ساختارهای معیوب وجود داشته باشد جنبش‌های معطوف به عدالت، اجتناب‌ناپذیرند